

فردای مبهم پیش دبستانی‌ها!

دوره پیش دبستانی در دوران دولت‌های مختلف نه تنها هیچ گاه به طور کامل دولتی نبوده است بلکه همواره بخش بیشتری از آن در اختیار بخش غیردولتی بوده است.

به گزارش ایسکانیوز شهرام جمالی کارشناس آموزشی در یادداشت خود در قانون می نویسد: این در حالی است که دستورالعمل مورد نظر در موارد متعددی - از جمله در بخشی که در مورد دوره پیش دبستانی است - لحنی تکلیفی و الزام آور دارد. بر اساس این دستورالعمل: ثبت نام نوآموزان دوره پیش دبستانی با حمایت مالی دولت صرفاً از طریق خرید خدمات آموزشی از مراکز پیش دبستانی غیردولتی مجاز خواهد بود. پذیرش این نوع نوآموزان در دبستان‌های دولتی تحت هر عنوان ممنوع است.

دستورالعملی که به تازگی از سوی مرکز برنامه‌ریزی منابع انسانی وزارت آموزش و پرورش تحت عنوان راهنمای ساماندهی مدرسه‌محور به استان‌ها ابلاغ شده است، افزون بر ایجاد شرایط الزام آور برای نیروهای اجرایی مدارس و اجبار مدیران، معاونان و مشاوران به حضور و تدریس در کلاس، در بخشی که به ثبت نام نوآموزان در دوره پیش دبستانی اشاره دارد، ماموریتی را به استان‌ها واگذار کرده است که در صورت اجراء، می‌تواند پیامدهای ناگواری را برای نوآموزان و آینده تحصیلی آنان به دنبال داشته باشد.

البته لازم به ذکر است که دوره پیش دبستانی در دوران دولت‌های مختلف نه تنها هیچ گاه به طور کامل دولتی نبوده است بلکه همواره بخش بیشتری از آن در اختیار بخش غیردولتی بوده است. همچنین به رغم آنکه در سند تحول بنیادین، از دوره پیش دبستانی به عنوان امری حاکمیتی که به دو شکل دولتی و غیر دولتی اداره می‌شود نام برده شده است اما تلاش آموزش و پرورش در دولت‌های مختلف بیشتر معطوف به غیر دولتی کردن این دوره بوده و این در حالی است که جمعیت نوآموزان در سال‌های اخیر افزایش قابل توجهی داشته است و بر اساس آمار اعلام شده از سوی معاونت ابتدایی وزارت آموزش و پرورش در سال تحصیلی گذشته، ۹۶۸ هزار و ۸۸۰ نوآموز در دوره پیش دبستانی حضور داشته‌اند.

هرچند از سال‌های قبل، دولت‌های مختلف، بودجه ناچیزی را به اسم حمایت از دوره پیش دبستانی در روستاها و مناطق محروم و دور افتاده و همچنین مناطق دو زبانه در لوایح بودجه سنواتی خود اختصاص داده‌اند اما متأسفانه همین مقدار بودجه اندک نیز در مواردی تخصیص نیافت و این در حالی است که در مناطق دیگر کشور نیز، آنچه سیاست حمایتی دولت از پیش دبستانی نامیده می‌شود، بیشتر از طریق خرید خدمات و در اختیار گذاشتن بخشی از فضاهای مرتبط با مدارس دولتی و البته دریافت هزینه از خانواده‌ها دنبال شده است. با این حال بر اساس آمارهایی که از سوی وزارت آموزش و پرورش اعلام شده است، نرخ پوشش آموزش پیش دبستانی در کشور به بالای ۷۰ درصد رسیده است.

این در حالی است که بر اساس همان آمارها، ۵۵ درصد از نوآموزان به طور کامل در اختیار بخش خصوصی بوده و ۴۵ درصد بقیه هم به شرط پرداخت هزینه‌هایی در فضاهای مازاد مدارس دولتی آموزش می‌بینند. اما بر اساس دستورالعمل اخیر، در سال تحصیلی جدید، قرار است این ۴۵ درصد باقیمانده از نوآموزان - که جمعیتی نزدیک به ۵۰۰ هزار نوآموز را شامل می‌شود - از دبستان‌های دولتی به غیردولتی کوچانده شوند. اجرای چنین سیاستی علاوه بر تحمیل هزینه‌های بیشتر به خانواده‌ها بی‌گمان طرد تقریباً تمامی نوآموزان مناطق فقیر و

محروم را به دنبال خواهد داشت. چرا که از یک سو در این مناطق بسیاری از خانواده‌ها، قادر به پرداخت هزینه‌های بخش خصوصی نیستند و از سوی دیگر در مناطق روستایی و کم‌خانوار پذیرش تعداد اندک نوآموزان برای بخش خصوصی به صرفه نبوده و توجیه اقتصادی ندارد.

عبارت حمایت مالی دولت در دستورالعمل مورد اشاره نیز موضوعی است که به نظر می‌آید بیش از حد بزرگ‌نمایی شده است؛ چرا که بر اساس گفته‌های معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش در حال حاضر میانگین سرانه‌ای که دولت برای هر نوآموز پرداخت می‌کند، ۱۵۰ هزار تومان است. و این در حالی است که بیشتر مدارس غیر دولتی با هزینه‌ای کمتر از یک میلیون تومان حاضر به ثبت نام نوآموزان در دوره پیش دبستانی نخواهند بود. بنابراین در حالی که تامین تقریباً تمام هزینه‌های تحصیل نوآموزان در مدارس غیر دولتی بر عهده خانواده‌ها خواهد بود، این میزان کمک مالی دولت در عمل تاثیر حمایتی ملموسی نخواهد داشت. اما پیامدهای خصوصی سازی کامل دوره پیش دبستانی، تنها به اثرات منفی آن در ارتباط با عدالت آموزشی کودکان بر نمی‌گردد، بلکه در بلند مدت و در مقیاسی بزرگ‌تر، این پیامدها در تقابل با سیاست‌های توسعه یافتگی نیز ارزیابی می‌شوند. دوره پیش دبستانی در رویکرد بسیاری از کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه یکی از مهم‌ترین مقاطع آموزش عمومی است. این اهمیت تنها ناظر بر موارد تربیتی نیست بلکه از جهت اقتصادی نیز مطالعات و پژوهش‌های مختلفی که در کشورهای توسعه یافته انجام گرفته است، نشان دهنده رابطه مستقیمی است که بین پوشش پیش دبستانی و امر توسعه یافتگی وجود دارد.

این پژوهش‌ها به روشنی نشان می‌دهند که تاثیر سرمایه‌گذاری‌های بخش دولتی در پیش دبستانی برای توسعه کشور، از سایر مقاطع آموزش عمومی موثرتر است و به همین دلیل امروزه شاهدیم که در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، ۱۰۰ درصد آموزش پیش دبستانی، به صورت دولتی اداره می‌شود و نرخ پوشش نوآموزان نیز نزدیک به ۱۰۰ درصد است. همچنین در برخی کشورهای در حال توسعه که منابع دولت برای سرمایه‌گذاری در تمام مقاطع آموزشی کفایت نمی‌کند، سیاست‌گذاری‌هایی در زمینه آموزش عمومی انجام گرفته است که بخش خصوصی را بیشتر به سرمایه‌گذاری در مقاطع تحصیلی بالاتر هدایت کند تا به این ترتیب بخشی از بودجه دولت از آن مقاطع آزاد شده و بودجه بیشتری به مقطع پیش دبستانی اختصاص یابد. این سیاست‌گذاری‌ها موجب شده تا هم اکنون نرخ پوشش پیش دبستانی دولتی در این کشورها به بالای ۹۰ درصد برسد. بنابراین در حالی که عمومی سازی دوره پیش دبستانی به عنوان یک سیاست راهبردی در اغلب جوامع دنیا موضوعی پذیرفته شده و در حال اجراست، حرکت به سمت خصوصی سازی صد درصدی پیش دبستانی در کشور ما در تضاد آشکار با سیاست‌هایی است که هدف توسعه یافتگی اقتصادی را دنبال می‌کنند.